

بررسی نقوش مثبت کاری

دریبه‌های کاخ موزه سبز

نوشین تدین طهماسبی کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

ماندانا کرمی کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

عاطفه هزاوه کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

سحر عبدالهی کارشناس کاخ موزه سبز

زهرا رفیعا کارشناس کاخ موزه سبز

گل صبا نبی لو کارشناس کاخ موزه سبز

کلمه ی منبت به معنی کنده کاری روی چوب می باشد و منبت کار کسی است که روی چوب عمل کنده کاری را انجام می دهد. این فن ، سابقه ای بسیار طولانی دارد؛ تا حدی که آغاز تاریخ منبت را می توان به زمانی نسبت داد که انسان برای اولین بار با ابزارهای تیز و برنده آشنا و چوب را تراش داده است .

منبت کاری در ایران پیشینه ای بسیار طولانی دارد و یادگاری از دوران گذشته می باشد که برای رسیدن به مراحل فعلی راهی بس طولانی را پیموده است و شاید بتوان گفت که تاریخ منبت کاری در ایران به زمانی می رسد که ایرانیان با مصارف گوناگون چوب آشنا شدند ؛ و با این توضیح در واقع نمی توان تاریخ منبت کاری را جدا از تاریخ استفاده چوب دانست.

در این پژوهش به بررسی منبت کاری های هنرمند برجسته این هنر، استاد علی مختاری بر روی دربهای کاخ موزه سبز می پردازیم .

کلمات کلیدی : منبت کاری - استاد مختاری - درب-کاخ موزه سبز -نقوش باستانی ایران

معرفی کاخ سبز :

کاخ شهوند، که اکنون «کاخ موزه سبز» نامیده می شود، بی گمان یکی از زیباترین کاخ های موجود در کشور است، بنای اولیه این کاخ نیم طبقه ای متعلق به «علیخان والی» از زمینداران سرشناس قاجار بوده است، که توسط رضاخان در سال ۱۳۰۱ به مبلغ هفت هزار تومان خریداری شد. سپس « میرزا جعفر خان معمارباشی» بی آنکه ساختمان قبلی را از بین ببرد کاخ تابستانی رضاخان را پس از هفت سال تلاش بر روی آن ساخت. علت سبز نامیدن کاخ استفاده از سنگهای سبز منحصر به فرد معادن خمسه زنجان در نمای خارجی آن است و در مصالح آن نیز از سرب استفاده شده است که از خرد شدن سنگها به علت تغییرات آب و هوایی جلوگیری میکند.

زیربنای کاخ ۱۲۰۳ مترمربع است که از دو بخش تشکیل شده، بخش اول شامل : پله ورودی، اتاق انتظار، اتاق کار، تالار آئینه، اتاق غذاخوری خصوصی و اتاق خواب است.

بخش دوم، زیرزمین که در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۰ به دستور محمدرضا پهلوی برای پذیرایی از مهمانان خارجی به بخش اول افزوده شد که شامل : اتاق پذیرایی دو اتاق خواب و اتاق غذاخوری است.

در این کاخ انواع هنرهای صناعی شامل آئینه کاری، گچبری، کاشیکاری، حجاری، تذهیب، خاتم کاری، فرش، ارسی و... بکار رفته است.

-آئینه کاری کاخ اثر استادان بنامی چون شیخان ،حاج علی آخوندی و...

-تذهیب: اثر استاد حسین طاهرزاده بهزاد

-خاتم: اثر کارگاه استاد صنایع خاتم شیراز

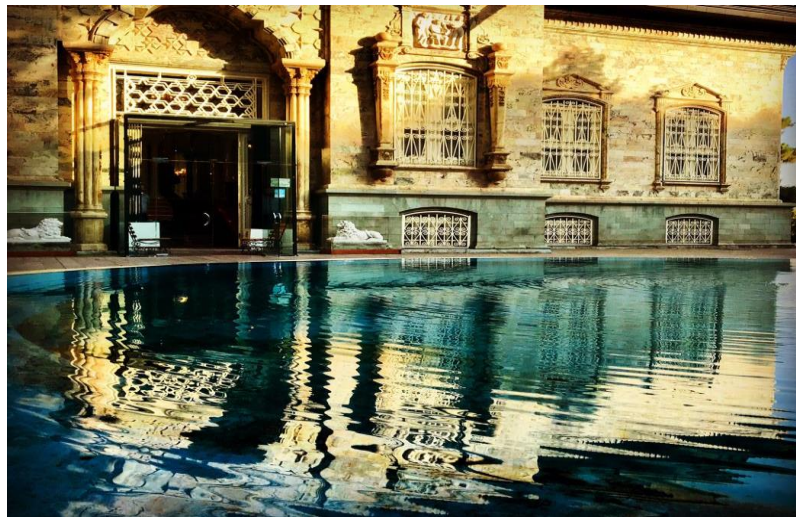
-چهارستون سفید رنگ در بالای پلکانها از سنگ مرمر سفید رنگ بدون رگه معادن کارارا در ایتالیا، همراه با دو کتیبه نصب شده بیرون ساختمان به دولت ایران اهدا گردیده است و به دستور رضا شاه در این مکان نصب گردیده است.

-نرده چوبی پلکان کاخ به سبک حجاری های سربازان مادی، پارسی، هخامنشی در تخت جمشید منبت کاری شده اثر استاد مختاری است، وی یکی از شاگردان کمال الملک و اهل گلپایگان بوده است.

-دیوارهای بیرون کاخ با حجاری های بسیار زیبا مزین شده که هنرمند آن استاد حسین خان زنجانی معروف به حجاریاشی می باشد.

-این کاخ در زمان رضا خان به کاخ سنگی معروف بوده و در زمان محمدرضا شاه به نام کاخ شهوند و اکنون به نام کاخ سبز معروف می باشد.

میتوان کاخ سبز را گنجینه ای از هنر و صنعت ایران زمین دانست .



کاخ موزه سبز

تاریخچه منبت در ایران :

باستان شناسان و مورخان تاریخ ، استفاده از چوب برای ساخت خانه ها را در ایران مربوط به ۴۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح دانسته اند که مقارن با عصر حجر و دورانی که بومی ها قبل از مهاجرت آریایی ها در ایرن زندگی می کردند، می دانند.

قطعات چوبی در یکی از مقبره های شهرستان فسا، در استان فارس، به دست آمده که مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل بوده و نشان دهنده ی این است که ایرانیان باستان از چوب برای ساخت ابزارهای مختلف استفاده می کرده اند.

استفاده از چوب در زمانهای مختلف در ایران مرسوم بوده و در کشاورزی ، خانه سازی و همچنین ساخت آلات و ابزار استفاده می شده است. از ظهور سلجوقیان تدریجاً استفاده از چوب شکل عوض کرده و کنده

کاری روی چوب مرسوم شده که متأسفانه نمونه های چندانی از هنر صنعت چوب در این دوره در دست نیست؛ ولی با توجه به دو قطعه از یک منبر ساخته ی قرن ۱۲ میلادی که مربوط به اواخر دوره ی سلجوقیان است و هم اینک در موزه نگهداری می شود، درمی یابیم که تزئین چوب با گل و بوته های برجسته و فرو رفته (شبه به منبت امروزی) رواج داشته است. آثار صنعت منبت کاری در دوره ی چنگیز و تیمور نسبتاً بیشتر است و نقوش ایرانی و طرح های چینی فراوانی به چشم می خورد، از آثار این دوره می توان منبر مسجد نائین به تاریخ سال ۷۱۱ هجری قمری و مرقد حضرت عبدالعظیم در شهرری را نام برد که با اشکال هندسی و برگ های مدور تزئین شده است.

قطعات چوبی در یکی از مقبره های شهرستان فسا، در استان فارس، به دست آمده که مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل بوده و نشان دهنده ی این است که ایرانیان باستان از چوب برای ساخت ابزارهای مختلف استفاده می کرده اند.

با توجه به دو قطعه از یک منبر ساخته ی قرن ۱۲ میلادی که مربوط به اواخر دوره ی سلجوقیان است و هم اینک در موزه نگهداری می شود، درمی یابیم که تزئین چوب با گل و بوته های برجسته و فرو رفته (شبه به منبت امروزی) رواج داشته است. آثار صنعت منبت کاری در دوره ی چنگیز و تیمور نسبتاً بیشتر است و نقوش ایرانی و طرح های چینی فراوانی به چشم می خورد، از آثار این دوره می توان منبر مسجد نائین به تاریخ سال ۷۱۱ هجری قمری و مرقد حضرت عبدالعظیم در شهرری را نام برد که با اشکال هندسی و برگ های مدور تزئین شده است.

در عصر تیموریان شیوه ی منبت کاران دوره ی مغول ها ادامه یافت و از نمونه های خوب این دوره " دو لنگه ی در " متعلق به نیمه های دوم قرن پانزدهم میلادی (قرن ۹ هجری قمری) است که در موزه متروپولیتن نگاهداری می شود. رویه ی این دولنگه در، به قطعات مربع تقسیم و داخل هر کدام نیز تقسیمات دیگری شده و تزئینات آن عبارت است از اشکال هندسی و برگهای ظریفی که معمولاً تذهیب کاران دوره تیموری از آنها استفاده می کردند. در دوره ی زندیه و قاجار، منبت کاری رو به انحطاط رفت و ساختن درهای منبت و قطعات بزرگ، جای خود را به قطعات کوچکتر مانند رحل قرآن و قاب آئینه داد.

به طور کلی آثار معتبری از گذشتگان در دست نیست و علت آن امر را می توان عمر کوتاه چوب که به مرور از بین می رود و همچنین عدم نگهداری درست وسایل چوبی به دلیل نبود مواد و وسایل حفاظتی (مانند لاکها و رنگهایی که امروزه استفاده می شود) دانست. ولی با این حال، آثار نسبتاً قدیمی از منبت کاری در کشور ما به جای مانده که بیشتر بر روی در مقبره ها، منابر و در مساجد انجام شده و دلیل سالم ماندن آن نیز به خاطر احترام مذهبی مردم به این اماکن می باشد که قدمت بعضی از آنها به ۱۰۰۰ سال هم می رسد. در حال حاضر منبت کاری در گوشه و کنار ایران رواج دارد و می توان گفت که در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، آباد، شاهرود و ... نسبتاً منبت کاری بیشتر انجام می شود. طرح های اصیل ایرانی شامل اسلیمی ها،

ختایی، گل و بوته، گل و مرغ و ... می باشد که تدریجاً انواع طرح های خارجی مانند گوشواره ای، فرشته ای و ... جای آن ها را می گیرند.

باستان شناسان و مورخان ، تاریخ استفاده از چوب برای ساخت خانه ها در ایران را مربوط به ۴۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح دانسته اند که مقارن با عصر حجر است یعنی زمانی که بومی ها قبل از مهاجرت آریایی ها در ایران زندگی می کردند .

در عصر تیموریان شیوه ی منبت کاران دوره ی مغول ها ادامه یافت و از نمونه های خوب این دوره " دو لنگه ی در " متعلق به نیمه های دوم قرن پانزدهم میلادی (قرن ۹ هجری قمری) است که در موزه متروپولیتن نگاهداری می شود. دوره ی زندیه و قاجار، منبت کاری رو به انحطاط رفت و ساختن درهای منبت و قطعات بزرگ ، جای خود را به قطعات کوچکتر مانند رحل قرآن و قاب آئینه داد.

در حال حاضر منبت کاری در گوشه و کنار ایران رواج دارد و می توان گفت که در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، آباد، شاهرود و ... نسبتاً منبت کاری بیشتر انجام می شود. طرح های اصیل ایرانی شامل اسلیمی ها، ختایی، گل و بوته، گل و مرغ و ... می باشد که تدریجاً انواع طرح های خارجی مانند گوشواره ای، فرشته ای و ... جای آن ها را می گیرند



آثار قدیمی منبت کاری در ایران

معرفی استاد علی مختاری :

علی مختاری گلپایگانی فرزند اسدالله گلپایگانی در سال ۱۲۷۴ در گلپایگان دیده به جهان گشود. استاد علی مختاری گلپایگانی استاد مختاری از اساتید بزرگ منبت کاری در قرن اخیر است. در ده سالگی به اتفاق برادرش محمد که یک سال از وی کوچکتر بوده به کارگاه استاد حیدر گلپایگانی از استادان منبت کار آن زمان (قاشق تراش) منبت کار چیره دست سپرده شد به آموختن این هنر پرداخت.

از هشت سالگی نجار شد ولی نجاری و منبت را با هم آموخت. مدتی هم در جوار عموی خود دستی بر این هنر داشتند. هیجده سال داشت که از گلپایگان به خمین و سپس راهی تهران شد، و در چهار راه مخبرالدوله، کوچه رفاهی در مغازه ای بنام دارالصنایع مختاری مشغول به کار شدند. استاد حکیم الهی نیز مدتی در جوار ایشان مشغول کار بودند.

وی بیشتر به خاطر ارائه و معرفی گسترده تر هنر اصیل گلپایگان برای هنر دوستان به تهران آمد و در نظر داشت با ارائه و معرفی چند تابلو منبت که از بهترین کارهای او بود، عقیده دست‌اندرکاران این هنر را درباره آثارش را بداند و در پیشرفت تکنیکهای هنریش به کار بندد. تابلوی پرتره فردوسی اثر استاد مختاری

و در همین حال خیلی علاقه مند بود تا برای نشان دادن و عرضه آثارش به مدرسه صنایع مستظرفه برود. او چندین بار اسم صنایع مستظرفه را از دیگران در گلپایگان شنیده بود. و شنیده بود که رئیس این مدرسه ابرمردی است بنام (کمال الملک) و آگاه و آشنا به هنر. و در هنر نقاشی استادی نادر و چهره‌ای بی‌همتا. دیدن کمال الملک از آرزوهای بزرگ این هنرمند جوان بود.

علی مختاری گلپایگانی و برادرش محمد پس از کسب شهرت در فن منبت کاری، توسط یکی از رجال قاجاری در زمان احمدشاه به تهران دعوت شدند این زمان استاد محمد هنگام فروش یکی از آثار خود با کمال الملک آشنا می‌شود و استاد از او دعوت می‌کند که به مدرسه صنایع مستظرفه برود. اما استاد محمد که عازم عتبات بوده فقط آدرس خود را به استاد کمال الملک می‌دهد و پس از آن ایران را ترک می‌کند. استاد کمال الملک پس از مدتی نامه ای برای او به گلپایگان می‌فرستد و از او دعوت می‌کند، در این ضمن استاد علی که برای اجرای تصاویر تخت جمشید به تهران آمده بود، به جای برادرش استاد محمد به حضور کمال الملک می‌رسد و پس از آزمون، کمال الملک از او می‌خواهد که استادی منبت مدرسه صنایع مستظرفه را بپذیرد و در ضمن به او توصیه می‌کند که طراحی بیاموزد.

یکی از نزدیکان و یا احیاناً دوستانش (متأسفانه نتوانستم نام وی را بیابم) این چنین نقل می‌کند:

« روزی که به مدرسه صنایع مستظرفه رفتم و کمال الملک را دیدیم نمیتوانستم خودم را کنترل کنم، میترسیدم، میلرزیدم، تنم آتش گرفته بود، دست‌وپای خود را گم کرده بودم. کمال الملک چند لحظه به چشمهای من نگریست مثل اینکه می‌خواست رازی از درون چشم‌های من بخواند. از زندگی گذشته‌ام

سؤال کرد از اینکه نزد چه کسی این هنر را آموخته‌ام چرا به تهران آمده‌ام و چند سؤال دیگر... بعد تابلوها را از من گرفت و با دقت به تماشای آنها مشغول شد.

هنگامیکه مشغول دیدن تابلوها بود پیش خود فکر کرد سرنوشت و مسیر زندگی آینده‌ام بستگی به او دارد عقیده او برایم مهم بود.

قلبم به تندی می زد مثل اینکه تمام خون تنم توی صورتم ریخته بود. گونه‌هایم سرخ شده بود هرگز آن روز و آن لحظه را فراموش نمی کنم آخرین تابلو را که دید سرش را بلند کرد و گفت خوب است خیلی هم خوب فقط نواقص کوچکی دارد که مهم نیست و به مرور ایام رفع خواهد شد، باید در سایه روشن مخصوصاً در طراحی بیشتر کار کنی.

از این سخنان استاد احساس سبکی کردم و از اینکه کارهای مرا پسندیده بود شادمان شدم. هنگامیکه خداحافظی کردم خواستم دستش را ببوسم نگذاشت. هنوز چند قدمی نرفته بودم که صدایم کرد برگشتم استاد انگشتش را روی پیشانی‌اش سائید، چند لحظه‌ای فکر کرد، تبسمی روی لبهایش دوید بعد درحالیکه عینک‌اش را روی صورتش جابه‌جا می کرد گفت: اگر بخواهی می توانی از فردا در این مدرسه مشغول به کار شوی.

گفتم: استاد چه کاری؟

گفت: برای آموختن مثبت‌به‌شاگردان، چند نفری هستند که می خواهند این هنر را یاد بگیرند حالا عده‌شان کم است اما رفته رفته زیاد می شوند فقط باید به من قول بدهی که برای همیشه در تهران بمانی و با دقت و علاقه کارت را انجام دهی؛ از فردا تو رئیس قسمت مثبت کاری این مدرسه هستی؛ مسئولیت و اداره و آموزش این هنر بعهد توست. از شنیدن این سخنان استاد شور و ذوق زایدالوصفی سراسر وجودم را فراگرفت می دیدم که چندین سال زحمت و کوشش ثمره‌ای دلپذیر داشت استاد نه تنها آثار مرا پسندیده و تأیید کرده بود بلکه ریاست و مسئولیت قسمت مثبت کاری صنایع مستظرفه را نیز به من محول کرده بود. این برای من که نوجوانی بودم پیروزی بزرگ و خاطره‌ای فراموش نشدنی بود از فردای آنروز در مدرسه صنایع مستظرفه به تدریس هنر و صنعت مثبت پرداختم. هنوز چند هفته‌ای از کارم نگذشته بود که حکمی به دستم دادند:

«به موجب پیشنهاد رئیس کل صنایع مستظرفه، آقای علی مختاری گلپایگانی از تاریخ اول حمل ۱۳۰۲ قسمت مثبت کاری صنایع مستظرفه این خدمت ماهیانه مبلغ (دویست قرآن) از بودجه صنایع مستظرفه دریافت خواهد داشت. رئیس کل صنایع مستظرفه مأمور اجرای این حکم اند». به تاریخ اول حمل یکهزار و سیصد و دو شمسی.

استاد مختاری یکی از هنرمندان برجسته ای است که آثار مثبت کاری او در کاخ موزه سبز نرده های است که بر روی چوب گردو و گلابی کار شده است و سربازان ایرانی دوره ماد تا هخامنشی را به تصویر کشیده است .

این اثر در ابتدا ورودی کاخ در دو طرف پله اصلی قرار دارد .

کلیه دربهای کاخ موزه سبز مثبت کاری شده است و هر کدام بیانگر داستانی از ایران باستان است



استاد علی مختاری

بررسی نقوش دربهای کاخ موزه سبز :

۱- درب ورودی کاخ موزه سبز با نقش سرباز مادی و پارسی :



منبت کاری درب ورودی کاخ موزه سبز

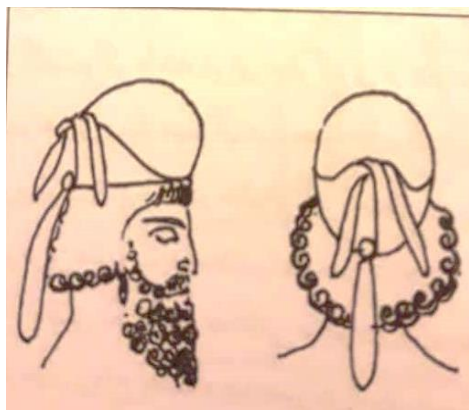
نقش منبت کاری شده بر روی در اصلی کاخ سبز، دو سرباز مادی و پارسی را به تصویر میکشد که برگرفته از نقش برجسته های تخت جمشید است. سلسله هخامنشی در ایران به دنیای غرب نخستین نمونه آنچه که تشکیل دولت و امپراطوری بود نشان داد. مقدمات تشکیل این دولت پادشاهی مقتدر توسط مادها پایه گذاری شد. مادها مردمانی بودند از نواحی شمال ایران که به زبانهای ایرانی سخن میگفتند. مادها به گفته هرودوت به ۶ قبیله تقسیم میشدند: (بوسها، پارتاکنها، ستروخانها، آری سانتها، بودیها، مغها). سرزمین مادها از امیر نشین های نیمه مستقلی تحت انقیاد آشوریها تشکیل شده بود. در سال ۷۴۴ قبل از میلاد پادشاه آشور (تیگلات پلسر) به مادها تاخت. او از مادها ۶۰ هزار اسیر جنگی بدست آورد. سلسله هخامنشی در ایران به دنیای غرب نخستین نمونه آنچه که تشکیل دولت و امپراطوری بود نشان داد. مقدمات تشکیل این دولت پادشاهی مقتدر توسط مادها پایه گذاری شد. مادها مردمانی بودند از نواحی شمال ایران که به زبانهای ایرانی سخن میگفتند. مادها به گفته هرودوت به ۶ قبیله تقسیم میشدند: (بوسها، پارتاکنها، ستروخانها، آری سانتها، بودیها، مغها). سرزمین مادها از امیر نشین های نیمه مستقلی تحت انقیاد آشوریها تشکیل شده بود. در سال ۷۴۴ قبل از میلاد پادشاه آشور (تیگلات پلسر) به مادها تاخت. او از مادها ۶۰ هزار اسیر جنگی بدست آورد. پس از آن به سال ۵۵۰ قبل از میلاد شخصی از خاندان پارسیان پرچم طغیان را برافراشت و در نتیجه برای نخستین بار در جهان امپراطوری و شاهنشاهی را پی ریزی کرد که بعدها مرزهای ایران را به چندین میلیون کیلومتر گسترش داد.

در این اثر ساده و بی پیرایه، هنرمند توانسته با بهره گیری از خطوط ساده و فرم، شباهت کاملی از مدل اصلی اثر ارائه دهد.

چنانچه مشاهده میکنیم بلندی پیراهن سرباز مادی تا سر زانو بدون درز با آستین تنگ و یقه های ساده میباشد که از سر پوشیده میشود، اما در سرباز پارسی لباس کاملاً بلند و چینداری را که تا روی کفش ادامه دارد.

مهمترین نوآوری ایرانیان شلوار بوده است که در مدها شلوارهای تنگ رکابدار بوده اما در نقوش تخت جمشید و پاسارگاد شلوارها کمی گشادتر و بلندتر بوده است که روی کفش را می گرفته و با رکابی در زیر کفش دیده میشود.

کلاه در هر دو قوم از جنس نمد بوده بجز کلاه های جنگی پارسیان که از جنس آهن و مفرغ بوده است. کمر بند در هر دو یکسان بوده که برای نگهداری سلاحهای مختلف و یا تیردان به کار میرفته و نهایتاً پاپوش در هر دو قوم مادی و پارسی از جنس چرم یک تکه بوده که قالب پا دوخته میشود که خدمتگزاران و درباریان از پاپوشهای سه بنده استفاده میکردند و پاپوشهای شاه و ولیعهد بدون بند و سرخنگ بوده است. ضمناً هر نقش بر روی لنگه ی مقابل در و پشت در تکرار شده است.



نقوش تخت جمشید

۲- لت درب ورودی کاخ موزه سبزا نقش سرباز مادی :



منبت کاری پشت درب ورودی کاخ موزه سبز

بر روی این در مردی ایستاده نقش شده است که نیزه ای بلند در دست چپ و تیردانی بر پشت او دیده می شود لباس این مرد شامل یک پیراهن بلند تا بالای زانو که با کمربندی باریک بسته شده و بصورت راسته می باشد و شلواری چسبان است . قمه ای بر کمر دارد و کلاه نمدی گردی بر سر او دیده می شود . تمامی این مشخصات در نگاه اول سرباز مادی را برای بیننده تداعی می کند . هر چند کلاه مادها به این صورت دو دنباله در پشت نیز داشته است اما از آن جا که ظاهرا استاد مختاری در نقوش باستانی و اساطیری که بر روی درهای کاخ سبز نقش کرده است تمایلی به ارائه جزئیات طرح نداشته و شمائی کلی از موضوع مد نظر ایشان بوده است بنابراین بعضی تناقضات در نقوش به جای مانده از دوران کهن به مانند آثار تخت جمشید و نقوش منبت کاری کاخ سبز دیده می شود . همه این ها باعث نمی شود که ما به مادی بودن این نقش پی نبریم زیرا نمای کلی همان سرباز ماد است . حجاران تخت جمشید برای مادی ها دو ساق شلوار گرد نقش کرده اند که دامن پیراهن مادی بالای آن ها را پوشانده است و آن چه دیده می شود شکلی صاف و باد کرده و بدون چین و چروک است و تاحدی کشیده می باشد در برخی از نقوش کشیدگی شلوار چنان است که به نظر تنگ و چسبان می آیند و در بعضی نقوش شلوار فراخ تر به نظر می رسد دمپای شلوار با کفش چنان به هم پیوسته طرح شده که شکل آن دقیقا معلوم نیست . ماد ها لباس چرمین بر تن داشتند چیزی که بیش از همه لباس مادی را چرمین جلوه می دهد علاوه بر ساده و تنگ بودن شکل آن بی توجهی حجاران به اجرای طرح لازم روی آن هاست .



دو سرباز ماد در میان سربازان پارسی در حجاریهای تخت جمشید

۳- دربهای ورودی زیر زمین کاخ موزه سبزا نقش نبرد سرباز ماد با شیر دال :



تصویر مثبت کاری درب ورودی زسر زمین کاخ سبز

این تصویر بر روی درب ورودی به سمت زیر زمین می باشد که نشان دهنده تصویر یک موجود افسانه ای به نام شیر دال که موجودی با بدن شیر همراه با بال و غالباً صورت پرندهگان شکاری مانند: عقاب، شاهین، باز و قرقی است که این تندیس ها به شکل شیر دال در معماری کاربرد زیادی دارد و یکی از جانوران اسطوره ای مشترک در میان بسیاری از اقوام آسیایی و اروپایی است.

قدیمی ترین شیر دال کشف شده از آسیای مرکزی به سده پنجم و چهارم پیش از میلاد برمیگردد و مربوط حکومت تابع امپراتوری هخامنشی می شوند.

در تصویر سرباز ماد را میبینیم که در حال جنگ با شیردال می باشد.

پوشش مردم ماد که به عنوان اولین قوم آریایی بیشترین تاثیر را بر اقوام بومی فلات ایران گذاشته که شامل: پیراهن، شلوار، جبه، شنل، کلاهی به اسم تیاره و کفش بوده است.

شلوار آنها از کمر تا مچ پا به یک اندازه گشادی دارد و در بعضی سنگواره ها کاملاً چسبان است و در مچ پا روی جلوی دهانه کفش گره می خورد و یا به صورت رکابی در زیر کفش قرار میگیرد.

۴- درب ورودی اتاق انتظار با نقش نادر شاه افشار :



تصویر منبت کاری درب ورودی تالار انتظار کاخ سبز

بر روی این درب نقش نادر شاه افشار منبت کاری شده است. نادرشاه افشار از پادشاهان بزرگ ایرانی که توانست از آب و خاک و آبروی ایرانیان دفاع کند و ایران را در آن زمان به یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان برساند. او یک وطن پرست واقعی بود. نادرقلی ملقب به تهماسب قلی خان؛ و نادر شاه افشار از ایل افشار خراسان از ۱۱۱۴ تا ۲۸ خرداد ۱۱۲۶ خورشیدی، پادشاه ایران و بنیانگذار دودمان افشاریه است. او از معروف ترین پادشاهان ایران، پس از اسلام است و تعداد زیادی از مورخین وی را قدرتمندترین پادشاه ایرانی بعد اسلام می‌دانند.

نادرشاه افشار (زاده ۱۰۶۷ شمسی کلات نادری - مقتول ۱۱۲۶ در قوچان) که پیش از پادشاهی، نادر قلی نام داشت. نادر شاه از ایل افشار خراسان که از ۱۱۱۴ تا ۱۱۲۶ خورشیدی پادشاه ایران و بنیان‌گذار دودمان افشاریه بود. او از مشهورترین پادشاهان ایران، پس از اسلام است. سرکوب افغان‌ها و بیرون راندن عثمانی و روسیه از کشور و تجدید استقلال ایران و نیز فتح دهلی و ترکستان و جنگ‌های پیروزمندانه او سبب شهرت بسیاری شد. همچنین او آخرین کشورگشا و فاتح آسیایی است.

ایل افشار قبل از مهاجرت به خراسان در منطقه افشار در جنوب آذربایجان غربی سکونت داشته‌اند که اکنون مرکز این منطقه شهرستان تکاب امروزی واقع در جنوب آذربایجان غربی می‌باشد. در فاصله ۵ کیلومتری شرق شهرستان «تکاب» روستای باستانی «قرخلو» واقع شده‌است که زادگاه اصلی پدران نادرشاه افشار است که نام قرخلو که در پسوند نادرشاه وجود دارد نیز از نام همین روستا برداشته شده‌است که شاه اسماعیل در زمان‌های دور آن‌ها را از «قرخلو» و «تکاب» به خراسان کوچاند. نادر هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده بود که همراه با مادرش در یکی از یورشهای ازبکان خوارزم به اسارت درآمد. بعد از مرگ مادر از اسارت گریخت و به خراسان بازگشت و به خدمت حکمران ابیورد باباعلی بیگ درآمد. او گروه کوچکی را گرد خود جمع کرد و بعد از کنترل چند ناحیه خراسان خود را «نادرقلی بیگ» نامید.



مجسمه نادر شاه افشار

در این هنگام افغان‌ها به رهبری محمود افغان اصفهان را تصرف کرده و شاه سلطان حسین صفوی را به قتل رسانده بودند. با سقوط اصفهان و قتل شاه، پسر او به نام شاه تهماسب دوم صفوی از اصفهان به قزوین گریخت و خود را پادشاه ایران خواند ولی حکام نواحی گوناگون حاضر به اطاعت از او نشدند. نادر که از میزان نفوذ خاندان صفوی در میان مردم آگاه بود، به شاه تهماسب دوم پیوست و سردار سپاه او شد. اولین اقدام نادر در خدمت شاه صفوی جنگ با ملک محمود سیستانی (حاکم سیستان) بود که مانعی بر سر یکپارچگی پادشاهی ایران به حساب می‌آمد. نادر در سال ۱۱۳۷ ق. توانست ملک محمود را شکست دهد و حاکمیت شاه ایران را در خراسان و سیستان برپا نماید.

اشرف افغان که از پیشرفت‌های نادر سخت هراسیده بود لشکری فراهم آورد و به جنگ او شتافت. در مهماندوست دامغان میان سپاه نادر و اشرف جنگی در گرفت و افغانان شکست خوردند و دو روزه خود را به تهران رساندند، و از آنجا شتابان به اصفهان گریختند تا سپاه بیشتری فراهم کنند. نادر به دنبال افغان‌ها به سمت اصفهان تاخت و در مورچه خورت اصفهان سپاه افغان‌ها شکست دیگری را متحمل شد، لشکر چنان درهم شکست که اصفهان را گذاشتند و به سوی شیراز گریختند. نادر افغانان را دنبال کرد و در زرقان فارس آنها را یکسره در هم کوبید و افغان‌ها به سمت هندوستان پراکنده شدند، اشرف افغان هم در بلوچستان کشته شد. شورش افغان که نزدیک بود کشور ایران را برباد دهد پس از هفت سال فرو نشست. نادر اکنون سپه سالار ایران زمین بود و کم‌کم قدرت او به جایی رسید که حکومت خراسان و مازندران و سیستان و کرمان از جانب شاه به او سپرده شد. شاه تهماسب صفوی از شهرت و اعتبار نادر در بین مردم دچار رشک و حسادت گشت و برای نشان دادن قدرت خود با لشکری بزرگ به سوی عثمانی تاخت و در آن جنگ هزاران سرباز ایرانی را در جنگ چالدران بدلیل عدم توانایی به کشتن داد و خود از میدان جنگ گریخت.

نادر با سپاهی اندک و خسته از جنگ از مشرق به سوی مغرب ایران تاخت و تا قلب کشور عثمانی پیش رفت و سرزمینهای بسیاری را به خاک ایران افزود و از آنجا به قفقاز تحت اشغال روس‌ها رفت که با کمال

تعجب دید روسها خود پیش از روبرو شدن با او پا به فرار گذاشته اند در مسیر بر گشت در سال ۱۱۴۸ در دشت مغان در مجلس ریش سفیدان ایران از فرماندهی ارتش استعفا نمود و دلیلش اعمال پس پرده خاندان صفوی بود. نادرشاه عازم مشهد شد در نزدیکی زنجان سوارانی نزدش آمدند و خبر آوردند که مجلس به لیاقت شما ایمان دارد و در این شرایط بهتر است نادر همچنان ارتش دار ایران باقی بماند و کمر بند پادشاهی را بر کمرش بستند.

هم اکنون مقبره نادرشاه در مشهد مقدس است و مجسمه ای کار استاد صدیقی زینت بخش محوطه مقبره نادر شاه افشار است .



جنگ های نادر شاه:

- اردو کشی سبزواری
- جنگ های ایران و عثمانی
- جنگ های ایران و گورکانیان هند
- جنگ های نادرشاه در داغستان
- جنگ های نادری
- شورش محمدتقی خان شیرازی
- شورش محمدخان بلوچ
- محاصره قندهار (۱۷۳۷-۱۷۳۸)
- نبرد تنگه خیبر
- نبرد دامغان (۱۷۲۹)
- نبرد کافر قلعه
- نبرد کرکوک (۱۷۳۳)
- نبرد کرنال
- نبرد مورچه خورت
- نبرد هرات (۱۷۲۹)

۵- اولین درب ورودی اتاق کار رضا شاه از تالار انتظار با نقش نبرد سیاوش و افراسیاب:



نقش درب ورودی از تالار انتظار به اتاق کار رضا شاه

بر روی در دیگر که به سمت در ورودی تالار انتظار نزدیکتر است، نقش یک سوارکار دیده می شود بر اساس نوع پوشاک این سوارکار که شامل تونیک، کلاه گرد و شلوار تنگ است به احتمال زیاد این تصویر یک سوارکار ساسانی است. با این وجود تصویری که دقیقاً چنین صحنه ای از یک سرباز ساسانی را نشان دهد موجود نیست این دونفر سیاوش و گرسیوز برادر افراسیاب هستند. سیاوش با ردایی بر دوش قابل تمایز از گرسیوز است. در این نبرد سیاوش پهلوان ایرانی بر برادر افراسیاب شاه توران غلبه می کند و زمینه کینه ورزی افراسیاب از سیاوش فراهم می شود. و ممکن است مربوط به ذهنیت استاد مختاری از داستانهای تاریخی و نه اسطوره ای شاهنامه باشد.

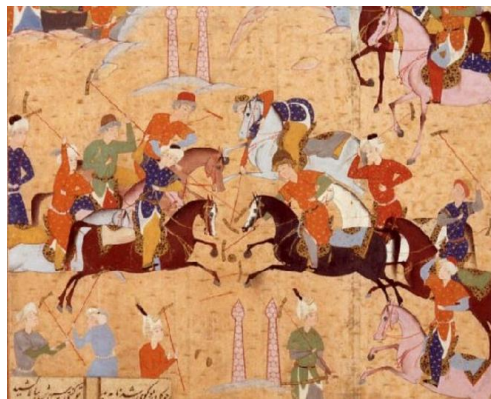
اتاق کار رضا شاه از تالار چوگان:



۶- دومین درب ورودی انتظار بانقش بازی

درب دوم ورودی از تالار انتظار به اتاق خاتم

بر روی این در نقش بازی چوگان دیده می شود دو سوارکار در حال مسابقه چوگان هستند .



تاریخچه دقیقی از اینکه کدام ورزش یا بازی امروزی، در میان دیگر ورزش‌ها قدمت بیشتری دارد در دسترس نیست، اما خیلی‌ها «چوگان»، ورزش ایرانی متشکل از یک ورزشکار، اسب، چوب و گوی را قدیمی‌ترین بازی تیمی در دنیا می‌دانند. پیشینه بازی به ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. در ادبیات ایران، اشاره‌های فراوانی به قدمت این بازی شده است؛ رودکی، سعدی، حافظ، ناصرخسرو و مولانا شعرایی بودند که از چوگان در اشعار خود استفاده کرده اند، اما هیچ شاعری به اندازه فردوسی از چوگان سخن به میان نیاورده است. فردوسی در شاهنامه به وفور از علاقه ایرانیان به چوگان سخن گفته و چندین بازی چوگان میان اساطیر ایرانی را هم به نظم درآورده است. چوگان، ورزشی برخاسته از تمدن کهن ایران باستان است؛ ورزشی که به احتمال فراوان اولین تجربه بشر مدرن، از یک بازی تیمی قاعده مند است. در هزاره‌های قبل، آن زمانی که کشورگشایی، در دستور کار تمامی دولتمردان قرار داشت، آمادگی هرچه بیشتر برای رزم، یکی از مهم‌ترین ارکان نظامی به شمار می‌آمد.

در سپاه ایران، برای آماده نگه داشتن نظامیان و هم چنین اسب هایشان، چوگان بازی می‌شده است، و آنگونه که در تاریخ آمده است این بازی، با یک قاعده خاص و هم چنین در حضور داور انجام می‌شده است. چوگان، بازی بی انگیزه ای نبوده و به طور کامل یک بازی استراتژیک است که به آمادگی سوار و اسب با هم

نیاز دارد. سوار و اسب در بازی چوگان مشق رزم می‌کرده‌اند، چوگان ورزش سواره نظام بوده و هاکی، ورزش پیاده نظام ایرانیان.

آنگونه که در تاریخ آمده، هاکی و گلف، از چوگان مشتق شده‌اند. بسیاری از قوانینی که در شاهنامه فردوسی در مسابقه چوگان آمده هنوز به قوت خود باقی است. در ضمن در یاد تاریخ، هیچ مسابقه‌ای پیش از مسابقه سیاوش با تیم ایرانی در برابر تیم توران میان تیم‌های هیچ دو کشوری انجام نشده است.

چوگان، بازی شاهان و بزرگان بوده و در زمان هخامنشیان بازی می‌شده است. چوگان به هنگام کشورگشایی داریوش اول در هند، به این شبه‌قاره رفت و در آنجا رواج زیادی پیدا کرد. این بازی پرجنبش که نیمی اسب و نیمی سوار به جایش می‌آورند در نوشته‌های ایرانی از «کارنامه اردشیر بابکان» گرفته تا ترانه‌های مردمی و اشعار شعرای بزرگ وجود دارد.

نام چوگان از نام چوبی که در آن استفاده می‌شود، برگرفته شده است، این ورزش در ایران پس از صفویان کم‌کم رو به فراموشی رفت. دوره صفویه مهم‌ترین برهه چوگان در ایران پس از اسلام است. این بازی در این دوره در قزوین آغاز شد و سپس به اصفهان رفت. این طور به نظر می‌رسد که شاه عباس صفوی هر زمانی که از جنگ و لشکرکشی و سفر فارغ می‌شد یا می‌خواست میهمانان بیگانه خود را سرگرم کند، چوگان بازی می‌کرده و به دستور شاه عباس اول صفوی، میدان نقش جهان اصفهان (میدان امام خمینی) به منظور برگزاری بازی چوگان احداث شد. این میدان، قدیمی‌ترین زمین بازی چوگان در جهان است.

در زمان فرمانروایی مغولان بر هند، چوگان همانند بسیاری از دستاوردهای فرهنگی، هنری و ورزشی به هند برده شد و در آن سرزمین گسترش و رواج یافت. انگلیسی‌ها در هند این بازی را آموختند و آن را به انگلستان بردند، چوگان از انگلستان به آمریکا رفت. پس از آن مسابقاتی میان آمریکا و آرژانتین برگزار شد و این بازی در قاره آمریکا محبوبیت بسیار یافت. هم‌چنین از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۶ چوگان از بازی‌های رسمی المپیک بود.

در سال‌های اخیر چوگان به سبب پشتوانه غنی فرهنگی‌اش، بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و به ویژه پس از سال ۱۳۸۰، فدراسیون آن شکل گرفت و در حال حاضر این ورزش در ایران به سرعت رو به پیشرفت است، حتی تا سال‌های ابتدایی پس از انقلاب اسلامی ایران، هرگاه در گوشه‌ای از دنیا، چوگان بازی می‌شده، پرچم ایران برافراشته می‌شده است.

بانقش جنگ رستم با



۷- درب ورودی تالار آینه

خاقان چین :

درب ورودی از تالار آئینه

ایران به عنوان کشوری که بر سرزمین های زیاد و مردمان بسیار از فرهنگ های مختلف سلطه داشته و با آنها تعامل داشته است، همواره مورد توجه بوده است. درحقیقت، جایگاه ایران در تاریخ جهان و سهم آن در تاریخ نوع بشر تنها می تواند در پرتو بررسی تماس و تعاملات با قدرت های بزرگ همسایه آن شناخته شود. از جمله این فرهنگ ها، فرهنگ و تمدن چین است. ایران در روزگار پیش از اسلام، به مناسبت های مختلف و از راه های گوناگون با فرهنگ و تمدن چین تماس داشته است و از دوره ای مشخص، سفرایی از ایران به طور مرتب به چین سفر می کردند. این روابط گسترده، جنبه های مختلفی از فرهنگ و تمدن ایران را تحت تاثیر خود قرار داد و شعر فارسی، تجلی گاه این تاثیرات است.

شاهنامه فردوسی یکی از منابع مهم برای درک روابط بین ایران باستان و چین و تاثیر این روابط است اما به رغم افزونی مناسبات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی ایران با چین در قرون نخستین اسلامی، آگاهی های فردوسی از چین و موقعیت جغرافیایی اش و جلوه های گوناگون فرهنگ و تمدن این کشور ناصحیح است. در حقیقت، فردوسی به مانند صاحبان ماخذ و منابع اطلاعاتی خود و هم عصران خویش، از چین اطلاعات دقیقی به ما نمی دهد. اگر شاهنامه را به دو بخش اساطیری و تاریخی تقسیم کنیم، سخت است در آن تمایزی میان چین به عنوان یک کشور تاریخی و سرزمین اساطیری قائل شویم زیرا فردوسی به ندرت بین ترکستان شرقی، چین و شرق دور تمایز قائل شده است. رزم رستم و خاقان چین داستانی پهلوانی دارای ۴۰۹ بیت در شاهنامه است. خاقان چین با سپاهش به یاری تورانیان آمد تا با سپاه ایران بجنگد ولی در نبردی که درگرفت، سه تن از سرداران خود یعنی اشکبوس و کاموس و چنگش را از دست داد. آنگاه خود با سپاهش به لشکر ایران تاخت و چون کاری از پیش نبرد به رستم پیشنهاد آشتی کرد ولی رستم نپذیرفت و به نبرد ادامه داد تا به خود

کمند به بند آورد.

۸-درب ورودی از اتاق مرد سوار و عقابی بر روی

کار به تالار آئینه با نقش دست :



درب ورودی از اتاق کار به تالار آئینه

بر روی دو در میان دفتر کار رضا شاه و تالار آئینه مردی سوار کار نقش شده است که عقابی را بر روی دست خود حمل می کند. لباس این سوارکار تا حدودی شبیه به لباس مادهاست اگرچه کلاه بر روی سرش کمی پخ تر و پیراهنی که پوشیده است پر چین و شکن تر می باشد اما مدل شلوار و کفش این مرد بسیار به لباس مادها نزدیک است اما با همه این اوصاف ظاهراً به دلیل همان کلاه پخی که بر سردارد نمی توان او را مادی نامید.

اما آن چیز که مشخص است هدف استاد مختاری در این تصویر این نبوده تادوره خاص تاریخی را به نمایش بگذارد بلکه منظور نظر او همان نقش عقابی است که در دستان مرد است. از زمانهای کهن مردم به بعضی حیوانات یا پرندگان نگاه تقدس آمیزی داشته‌اند و آن‌ها را بت یا توتم خود قرار می داده‌اند. بسیاری از بت‌هایی که در داخل کعبه نگهداری می شدند شکل حیوانات داشتند. عقاب یکی از این پرندگان است که نزد بسیاری از اقوام نماد و توتم بوده‌است. پرنده افسانه‌ای سیمرغ، هما و خروس نیز از پرندگان مقدس در نزد اقوام ایرانی بوده‌است. طاووس در میان مردم هند جایگاه تقدس آمیزی داشته و دارد.

در خاور نزدیک معمولاً کبوتر با هر نام دیگری که معرف او باشد، الهه باروری و حاصل خیزی است، و در یونان به ویژه نماد "آفرودیت" الهه عشق می باشد. عقاب، نماد تجلی خدای آفتاب است که به وضوح در قالب قرصهای بالدار خورشید در بین‌النهرین و بعدها در ایران به تصویر کشیده شده و غالباً در حال جنگیدن با مار یا اژدها ظاهر شده‌است. پرنده و به ویژه کبوتر، اغلب بر عشق دلالت می کند و نیز توصیف الهه حاصلخیزی و باروری است. در کیش‌های "دوموزی" و "آدونیس" این الهه در نقش مادری ظاهر می شود که در سرتاسر دوران اسارت فرزندش در زیر زمین، مرثیه سرائی می کند و به آنجا فرود می آید تا او را از مرگ برهاند. عقاب، که به سلطان پرندگان معروف است، به طور لاینفک با پادشاهی و نیز با خدای خورشید (ایزد) پیوند دارد. در واقع، پادشاهی هرگز روابط نمادینش را با خورشید و عقاب قطع ننموده است. در خاور نزدیک برخی سکه‌ها، پادشاهان یونانی مآب را با تاجی شبیه آنچه پاپ بر سر دارد، به همراه یک جفت عقاب بر روی آن و چهره خورشید میان این دو، به تصویر کشیده‌اند. در کاربرد این نمادها، پادشاهان بیان می دارند که یا ذاتاً

الهی اند یا به مقام خدایی نائل شده‌اند. جنبه آسمانی امپراتور روم به واسطه نماد پردازی خورشید شکست ناپذیر و عقاب، به نمایش در می‌آید.

با نگاهی اجمالی به اثر متوجه خاص بودن این مرد می شویم به این جهت که او سوار بر اسبی است که بر روی آن زینی به ظاهر نرم نهاده شده و دور تادوراسب را با منگوله‌هایی زیبا تزئین نموده‌اند بنابراین او به طبقه اجتماعی بالایی تعلق دارد. اما عقابی که در دستان اوست نماد قدرت و پادشاهی در ایران باستان می‌باشد و از آن جا که بر روی دو درب از درهای دفتر کار پادشاه نقش شده است تطابق موضوعی با هویت کاربردی معماری بنا پیدا می‌کند.

عقاب در اندیشه ایرانیان باستان نشانه فر کیانی یا فر ایزدی است که در اوستا نیز به نام " وارغن " به آن اشاره شده است .

بر همین اساس پادشاهان هخامنشی با این نماد پرچم خود را هویت بخشیدند. گفته‌اند ایرانیان روح عقاب را از آن سرداران و فرماندهان و پادشاهان بزرگ خود می دانسته‌اند که در واقع همان فر ایزدی است و در این میان عقاب زرین یا عقاب طلایی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. عقاب زرین در ادبیات ایران نیز جایگاهی ویژه دارد تا آنجا که در شاهنامه فردوسی نگاهبانی و پرورش زال به این پرنده قدرتمند سپرده می‌شود.



نقش عقاب در بشقاب دوره ساسانی

۹-درب ورودی به تراس از تالار آیینه با نقش اسب و سوار :



درب تراس از تالار آینه

بر روی این درب اسب و سوارکارش در حال مهار اسب منبت کاری شده است اسب در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه دارد. در متون اوستا و ادبیات باستانی پادشاهان و امیران، گردان و دلاوران، دهقانان و کارورزان ایرانی و دین آوران بزرگ آن را مظهر خوشبختی و رستگاری و فراست و تیزهوشی دانسته اند.

حضور اسب در فرهنگ و تاریخ کهن ایران در جلوه های گوناگون متجلی است که بیشتر کتیبه ها، سنگ نبشته ها، الواح سیمین و زرین دوره هخامنشی گواه اهمیت و توجه خواص به این حیوان زیبای اساطیری است و در کتیبه های گلی دوره داریوش نیز نام اسب های عالی کشور ایران عنوان شده است. اسب همچنین در فرهنگ اسلامی نیز مقام و جایگاه ویژه ای دارد. در روایات حماسی و اساطیری و افسانه های کهن ایرانی_ که متضمن ماجرای قهرمانی و حوادث فراروی اوست اسب پرکاربردترین نمادینه تمثیلی جانوری است که مثل همه عناصر غیر انسانی جهان اساطیر، صاحب هویت انسانی شده است و نمادینگی آن را تنها باید در ارتباط با متون کهن بررسی کرد.

به جهت نقش این حیوان در تکامل نقشه قهرمانی، جایگاه اسب های نمادین و افسانه ای در روایات زندگی قهرمانان اساطیری که در فرهنگ ها و اقوام مختلف نمونه های کم و بیش مشابه بسیاری برای آنها یافت می شود همیشه مد نظر بوده است.

حکیم ابوالقاسم فردوسی با شخصیت بخشی به اسب اعطای نقش تفصیلی به این حیوان باعث جذابیت و ارزش بیشتر داستان های شاهنامه گردیده است.

۱۰- درب ورودی به تراس از اتاق خواب با نقش بهرام چوبین:



درب تراس از اتاق خواب

این درب از اتاق خواب به تراس باز می شود بر روی این درب نقش بهرام چوبین منبت کاری شده است و تنها دربی است که در مرمت سال ۱۳۹۶ رنگ نشده و رنگ اصلی خود را از زمان پهلوی دوم حفظ کرده است .

مهم‌ترین نکته‌ای که در باب داستان بهرام چوبینه در شاهنامه به چشم می‌خورد، حس و حال و فضای کاملاً متفاوتی است که در این داستان نسبت به سایر وقایع بخش تاریخی شاهنامه وجود دارد. فردوسی در به نظم کشیدن تاریخ ساسانیان عملاً در باب تحریک قوه خیال مجال اندکی داشت؛ زیرا با متن از پیش آماده‌ای روبه رو بود که وقایع آن با دقت ثبت شده بود و ازین روی برای وی امکان استفاده از اغراق‌های خیال‌انگیز، آن‌گونه که در خلق اشعار حماسی پهلوانی مرسوم و معمول است؛ فراهم نبود. فردوسی حماسه‌سرا بود و به نقل تاریخ به معنی وقایع‌نگاری صرف، علاقه‌ای نداشت؛ لذا از فرصتی که ماجراجویی‌های بهرام در اختیار او گذاشت، استفاده کرد و تاریخ را به سمت حماسه، سوق داد. حماسه روایتی آمیخته با تخیل از تاریخ ملّتی است که با قهرمانی‌ها و اعمال و حوادث خارق‌العاده درمی‌آمیزد. به عبارت دیگر شاعر حماسه‌پرداز، حوادث تاریخی را به روش خود تفسیر می‌کند؛ یعنی به برخی از تحولات شاخ و برگ می‌دهد و از اهمیت برخی رویدادها می‌کاهد و نقش‌آفرینی انسان‌های آرمانی و برتر (پهلوانان) که از نظر نیروی جسمانی و معنوی برگزیده و ممتاز هستند؛ مهمترین تفاوت حماسه با تاریخ به شمار می‌آید. در واقع پهلوانان حماسه نماد آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ مردمان یک سرزمین هستند؛ آرزوهایی که یا در عالم واقع امکان بروز و ظهور نیافته است و یا نحوه ظهور آنها به شکل مطلوب عموم مردم نبوده است. نکته دیگر آنکه ویژگی اصلی حماسه در تخیلی بودن و شکل داستانی آن است و از آن جهت که این امر مستلزم اسطوره‌سازی است، لزوماً حماسه و تاریخ با وجود شباهت‌های ظاهری، در تعارض خواهند بود و بدین ترتیب، شاعر حماسه‌سرا، علیه واقعیت تاریخی و نظم دنیوی که نوع بشر محکوم بدان است، طغیان می‌کند و تاریخی دیگر را برمی‌سازد خلاصه آنکه حماسه روایتی آرمان‌خواهانه از تاریخ و واقعیت است؛ تاریخ به شکلی که باید روی می‌داد؛ و نه به شکلی

که واقعاً روی داده است. بر این اساس در ماجرای بهرام چوبینه، فردوسی با توسل به هنر شاعری، بر تاریخ می‌شورد و حماسه خلق می‌کند. او روایتگر آرزوها و آرمانهای برباد رفته مردمی است که به امید تحوّل در مناسبات کهنی که حتی اصلاحات انوشیروان و هرمز نیز نتوانسته بود، تغییر چندانی در آن ایجاد کند، پشت سر چهره‌ای ماجراجو و جاه طلب و جنگاور قرار گرفتند؛ اما نتوانستند معادلات حاکم بر مناسبات سیاسی عصر خود را به هم بزنند. خسرو پرویز مجدداً قدرت را در دست گرفت و دور باطلی که برانگیزاننده همه شورش‌ها و قیام‌ها از عهد مزدک به بعد بود، به شیوه‌ای دیگر تکرار شد. هر چند به روایت تاریخ، بهرام شکست خورد و در غربت جان باخت؛ اما حماسه ازین چهره شکست خورده، پهلوانی به تصویر کشید که نه به علت غلبه خصم؛ بلکه بنا بر تقدیر آسمانی از قدرت کنار رفت و حتی در سرزمین بیگانه نیز هنرنمایی کرد و با کشتن اژدهایی هولناک، هرگز به سیمای یک سردار شکست خورده نمایان نشد.

آفرینش روایتی حماسی از یک رویداد تاریخی، مسلماً تابع ضوابط و شرایطی است که رعایت دقیق آنها در قالب نظمی سخته و استوار و کلامی متین و فصیح؛ آنگونه که در شاهنامه فردوسی جلوه‌گر شده، حاکی از آگاهی و تسلط بی‌نظیر حکیم طوس از فن حماسه‌سرایی است. از آنجا که داستان حماسه بر پایه تاریخ ملی یک کشور است، مخاطبان آن از کلیات اصلی داستان آگاهی دارند و شاعر تنها در پرداختن به جزئیات و توصیف هنری صحنه‌های مختلف داستان آزادی عمل دارد. ازین روی، طرح کلی داستان بهرام در روایت حماسی آن، همان طرح وقایع‌نگاری تاریخی است و فردوسی نیز در چارچوب وقایع مربوط به بهرام چوبینه، با استفاده از فنونی که در خلق داستان‌های حماسی کاربرد دارد، در بیان هنری و توصیفات شاعرانه، سخن را به اوج رسانده است. فنونی که سخن‌سرای طوس قبلاً بکرات از آن شیوه‌ها در پرداخت داستان‌های حماسی مربوط به رستم، بهره گرفته بود.

بهرام چوبینه سردار بزرگ ساسانی، نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی و نظامی اواخر عهد هرمزد چهارم و اوایل عهد خسرو پرویز دارد و شرح ماجراجویی‌های وی در بخش تاریخی شاهنامه، زمینه مناسبی را برای خلق حماسه‌ای زیبا، فراهم کرده است. بررسی دقیق محتوای این داستان، بروشنی حاکی از حضور عناصر و شاخصه‌های سروده‌ای حماسی، به سبک حماسه‌های بخش پهلوانی شاهنامه است. شخصیت برجسته بهرام چوبینه نیز با وجود همه کاستی‌هایی که نسبت به یک قهرمان شکست‌ناپذیر دارد، در اشعار فردوسی، در قالب پهلوانی حماسه‌آفرین معرفی شده که دارای وجوه اشتراک فراوانی با جهان پهلوان شاهنامه، رستم داستان است. این واقعیت حاکی از آن است که فردوسی در جریان به نظم کشیدن تاریخ ایران باستان، هر کجا که اقتضا می‌کرده است، وقایع تاریخی را دستمایه سرودن حماسه‌های شورانگیز قرار داده است.

منابع:

۱- نادر شاه، بازتاب حماسه و فاجعه ملی، پناهی سمنانی، کتاب نمونه، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

۲-افشاریه در وبگاه ایران میراث

۳-مشارکت‌کنندگان ویکی‌پدیا. «**Muhammad Shah**». در دانشنامهٔ ویکی‌پدیای انگلیسی، بازبینی‌شده در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۸.

۴-رضازاده شفق، کتاب نادرشاه از دیدگاه مورخین و شرق شناسان (تحریر: تهران ۱۳۳۹ چاپ: ۱۳۸۶)

۵-باستان شناسی و هنردوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، سرفراز، علی اکبر، فیروزمندی، بهمن، انتشارات مارلیک، ۱۳۸۷،

۶-تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، غیبی، مهرآسا، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۷

۷-مینیاتورهای داستانهای شاهنامه، موزه دیوید کپنهاگ

۸-باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی سرفراز علی اکبر، فیروزمندی بهمن انتشارات جهاد دانشگاهی ۱۳۷۳

۹- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، اسلامی ندوشن، محمدعلی تهران: انجمن آثار ملی. (۱۳۴۸).

۱۰-چوگان به سبک ایرانی، آذرتاش آذر نوش، فرهنگستان نامه، سال ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵

۱۱-دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، به سرپرستی کاظم موسوی بجنوردی، تهران ۱۳۸۳

1-Michael Axworthy, The Sword of Persia: Nader Shah, from Tribal Warrior to Conquering Tyrant Hardcover 348 pages)
(Publisher:I.B. Tauris Language: English ISBN 1-۲۰۰۶-۲۶ ژوئیه ۲۰۰۶)
85043-706-8

2-www.simorgh.COM

3 - www.lomary.com

4- <https://kingfoska.wordpress.com/>